

مرحله‌ی دوم

پایداری در عزم



در سال اول، در مرحله عزم، دانستیم که محتوای هر عزمی عهد و پیمان با خداست و سه مرحله دارد:

۱- عهدی برای قدم در راه زندگی (عهد کلی با خداوند)

۲- تجدید آن عهد

۳- تکمیل عهد

کسی که خداوند را به عنوان محبوب زندگی برمی‌گزیند، عهد می‌کند در مسیری قدم بردارد که به محبوب و مقصود خود نزدیک شود و این همان عهد کلی است. چنین انسانی براساس این عهد تصمیم می‌گیرد و برنامه‌های خود را عملی می‌کند. در این سال، همچنین آشنا شدیم که چگونه تصمیم خود را تقویت کنیم تا در آن، پایدار و ثابت قدم بمانیم.

در سال دوم، پس از یادآوری معاد و آینده‌ی خظیر انسان در سرای دیگر، آن عهد کلی را تجدید کردیم و بر تصمیم خود پایداری ورزیدیم. همچنین با توکل بر خدا به عنوان عاملی برای پایداری بر عزم آشنا شدیم.



درس ۱۳

عزت نفس

اکنون که خداوند با فرستادن پیامبران و راهنمایی پیشوایان، ما را به پیروی از دین خود دعوت کرده و رسیدن به سعادت را در گرو پیمودن این راه قرار داده است، بار دیگر عهد و پیمان خود با خدا را به خاطر می‌آوریم و با اعلام سپاس به پیشگاه او، پیمان گذشته را تجدید می‌کنیم و با تصمیمی محکم‌تر به راه ادامه می‌دهیم.

اکنون جای طرح این سؤال است: تأثیر عزت نفس بر عهد و عزم و تصمیم چگونه است؟ آیا با تقویت عزت نفس می‌توانیم عزم خود را برای دوری از گناه محکم‌تر کنیم؟

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ	ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم
وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ	و آنان را در خشکی و دریا برنشانیدیم
وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ	و از چیزهای پاکیزه روزیشان دادیم
وَفَضَّلْنَاهُمْ	و برتری کاملشان بخشیدیم
عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا	بر بسیاری از آفریدگان خویش

اسراء، ۷۰

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا	برای آنان که نیکی کردند
الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ	پاداشی نیکوتر و فزوتراست
وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ	و چهره شان را تیرگی و خواری نپوشاند
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
هُم فِيهَا خَالِدُونَ

یونس، ۲۶

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ
جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا
وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ

یونس، ۲۷

وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ

.....

وَلِرَسُولِهِ، وَلِلْمُؤْمِنِينَ

.....

وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ

.....

منافقون، ۸

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ

.....

فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا

.....

فاطر، ۱۰



به کمک معنای این کلمات ترجمه آیات را تکمیل کنید.

كَسَبُوا : مرتکب شدند سَيِّئَات : بدیها تَرَهَّقُواهُمْ : می پوشاند آنها را

عزّت نفس

عزّت به معنی شکست ناپذیری است. انسان عزیز کسی است که در مقابل دیگران تسلیم نمی شود و شکست نمی خورد. بنابراین، وقتی می گوئیم فلان شخص دارای عزّت نفس است، منظورمان این است که او نفسی شکست ناپذیر دارد و تسلیم نمی شود.

در مقابل عزّت، «ذلت» قرار دارد که به معنی شکست پذیری و تسلیم شدن است. شخص ذلیل کسی است که خود را تسلیم دیگری می کند.

در اینجا سؤال‌هایی مطرح است که باید به آن‌ها پاسخ دهیم تا بهتر به حقیقت «عزت نفس» پی ببریم و آن را با برخی خصلت‌ها که گاهی هم منفی هستند، اشتباه نگیریم.

در مقابل چه چیزهایی باید عزت نفس داشته باشیم؟

آیا جایی هست که ذلت بهتر از عزت باشد؟

به کمک آیاتی که در ابتدای درس آمده و با مطالعه سخنان و سیره پیشوایان دین به سؤال‌های فوق پاسخ می‌دهیم.

..... /

خداوند به انسان کرامت و بزرگی بخشیده

..... /

و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده

و خطاب به وی فرموده :

«ای فرزند آدم، این موجودات و مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم»^۱

یعنی خداوند مخلوقات دیگر را آفرید تا بشر از آن‌ها بهره بگیرد و انسان را آفرید تا به جایگاه قرب الهی نایل شود^۲ و به دیدار او برسد و در بهشتی که خدا برایش آماده کرده، میهمان ابدی او گردد^۳ و آنچه از زیبایی و خوبی و لذت که می‌شناسد و تمنا می‌کند یا نمی‌شناسد و خدا می‌داند، از دست با کرامت الهی بگیرد.^۴

آیا می‌توان بهایی از این باارزش‌تر و گرانقدرتر برای انسان یافت؟

راستی، چگونه می‌توان این کرامت را حفظ کرد و به چنان جایگاهی رسید؟

قرآن کریم، یکی از راه‌های اصلی رسیدن به چنین هدفی را کسب «عزت نفس» می‌داند.

انکون این سؤال مطرح است که انسان باید در برابر چه چیزی و چه کسی عزیز و شکست‌ناپذیر

باشد؟ در پاسخ می‌گوییم که عزت و شکست‌ناپذیری در دو مورد ضروری است :

۱- در برابر خواسته‌های نامشروع درونی که سبب روی آوردن ما به گناه می‌شوند.

۲- در برابر دشمنان ظالم و ستمگر بیرونی که می‌خواهند در مقابل ظلم آنان تسلیم باشیم و ذلت

را بپذیریم.

قرآن کریم به ما می‌آموزد که هر کس در برابر تمایلات نامشروع بایستد و به نیکی‌ها روی آورد و

۱- بَابُ آدَمَ خَلَقْتُ الْأَنْبِيَاءَ لِأَجْلِكَ وَ خَلَقْتُكَ لِأَجْلِي (الجواهر السنّية في الاحاديث القدسية، شيخ حر عاملی، ص ۳۶۱)

۲- فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (قمر، ۵۵)

۳- يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ ... (فجر، ۲۷ تا ۳۰)

۴- زخرف، ۷۱

از گناه دوری کند، گرد ذلت بر چهره او نمی‌نشیند، یعنی عزیز می‌شود، عزیز در برابر گناه. و هرکس از این قبیل تمایلات دنباله‌روی کند به گناه و زشتی روی آورد، خواری و ذلت چهره او را می‌پوشاند، ذلت در برابر گناه.

انسانی که نفس خود را عزیز و شکست‌ناپذیر کرده، توانایی کنترل هوس‌ها و تمایلات نابجای خود را دارد و در مقابل تحریک و تشویق دیگران به گناه، ایستادگی می‌کند و به آن‌ها پاسخ «نه» می‌دهد. برخی از افراد در توجیه خطا و گناه خود عوامل تحریک‌کننده بیرونی را مقصر جلوه می‌دهند و خطای خود را بر دوش آن عوامل می‌گذارند. اما این‌گونه افراد باید توجه کنند که عوامل بیرونی فقط زمینه‌ساز هستند، نه بیشتر. آن کس که تصمیم می‌گیرد و مرتکب گناه می‌شود و کرامت خدادادی خود را لگه‌دار می‌کند، خود انسان است. چه بسیار انسان‌هایی که همان زمینه‌ها را می‌بینند اما با قدرت روحی و اراده قوی در مقابل گناه می‌ایستند و آن را شکست می‌دهند.

نمونه‌پای



برخی از عوامل بیرونی را که زمینه‌ساز گناه هستند، مثال بزنید و راه‌های

حفظ خود در برابر آن‌ها را نشان دهید.

.....
.....

عزت نفس و بندگی خداوند

چگونه می‌توانیم ایستادگی و عزت در برابر هوس و گناه را در خود تقویت کنیم؟

..... /

قرآن کریم راه آن را به ما نشان داده است؛ با روی آوردن به خدا.

خداوند که خالق تمام جهانیان است، حقیقت شکست‌ناپذیری است که همه مخلوقات تسلیم

اویند.^۱ سرچشمه تمام عزت‌ها خداست و هرکس که دنبال عزت است، باید خود را به این سرچشمه

پیوند دهد.

به همین جهت است که قرآن کریم ابتدا عزت را برای خدا دانسته، سپس برای رسول خدا ﷺ که

۱- در قرآن کریم بیش از ۹۵ بار صفت «عزت» و اسم «عزیز» برای خداوند به کار رفته است.

بندهٔ خالص اوست و پس از آن برای مؤمنین که با پیروی از رسول خدا ﷺ، بندگی خدا را پذیرفته‌اند و تسلیم او شده‌اند. /

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصف انسان‌هایی که عزت خود را در بندگی خدا یافته و بر گناه و هوس پیروز شده‌اند، می‌فرماید:

عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ

خدا در نفس آنان بزرگ است

فَصَغَّرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ

پس غیر خدا در چشم آنان کوچک^۱

همچنین برای تسلیم نشدن در برابر ظالمان و حفظ عزت نفس خود در مقابل آنان می‌فرماید:

لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ

بندهٔ دیگری (مثل خودت) نباش

وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا

چرا که خدا تو را آزاده آفریده است.^۲



آیا تاکنون خود را بر دو راهی عزت و گناه یافته‌اید؟ تصمیم‌هایی را که به یادتان می‌آید، مرور کنید و از خود حساب بکشید. با خود یکرنگ باشید و از آسان‌گیری بپرهیزید.

پیشوایان ما چون بندهٔ حقیقی خدا بودند، در سخت‌ترین شرایط زندگی، عزت‌مندانه زیستند و هرگز تن به خواری ندادند.

پیامبر اکرم، هنگامی که در محاصرهٔ طاقت‌فرسای مشرکان مکه بود و جز ابوطالب علیه السلام و یاران اندک، پشتوانهٔ ظاهری دیگری نداشت، به بزرگان مکه که وعدهٔ ثروت و قدرت به او می‌دادند، فرمود: اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارید، از راه حق دست برنمی‌دارم.^۳

۱- نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۹۳

۲- همان، نامهٔ ۳۱ (وصیت‌نامهٔ آن حضرت به فرزند گرامی‌اش امام حسن علیه السلام)

۳- سیرهٔ ابن هشام، ج ۱، ص ۲۶۵

امام حسین علیه السلام، آن‌گاه که یزیدیان از او می‌خواستند تسلیم شود تا جانش محفوظ بماند، می‌فرمود: «مرگ با عزّت از زندگی با ذلّت برتر است»^۱

و می‌فرمود: «به خدا سوگند من دست ذلّت به شما نمی‌دهم و همچون بردگان فرار نمی‌کنم»^۲
حضرت زینت علیها السلام، پس از تحمل انبوه مصائب و سختی‌ها، که هر کدام از آن‌ها روح یک انسان معمولی را می‌شکند، در پاسخ به جمله عبیدالله بن زیاد، حاکم کوفه، که می‌خواست سیدالشهداء و ایشان را تحقیر کند، فرمود:

«در این واقعه‌ای که برای ما پیش آمد، جز زیبایی از خدا ندیدم»^۳

کسی که بنده حقیقی خدا شد، عزیز می‌شود و تن به ذلّت و خواری در برابر گناه و گناهکاران نمی‌دهد و تسلیم آنان نمی‌شود. او خود را همواره در پیشگاه خدا می‌بیند و می‌داند که اگرچه او خدا را نمی‌بیند اما خدا او را می‌نگرد.

حضرت یوسف علیه السلام در خلوت‌ترین مکانی که زلیخا ترتیب داده بود، در برابر هوس سرکش او ایستاد، در حالی که برده و غلام زلیخا محسوب می‌شد و می‌توانست بگوید من باید از او اطاعت کنم. اما هنگامی که زلیخا خواست نامشروع خود را با اصرار و تهدید مطرح کرد، یوسف، با این که در اوج جوانی و زیبایی بود، خدا را به یاد آورد و گفت: خدایا به تو پناه می‌برم! و از دست زلیخا به سوی درهای بسته فرار کرد.

آری، گرچه حضرت یوسف علیه السلام به زندان افتاد، اما عزّت حقیقی را به دست آورد و بعدها به عزّت ظاهری هم رسید و عزیز سرزمین مصر شد.



جوانی خدمت امام حسین علیه السلام رسید و گفت: من فردی گناهکارم و نمی‌توانم خود را از انجام گناهان بازدارم؛ مرا نصیحتی فرما. امام حسین علیه السلام به او فرمود: پنج کار انجام بده آنگاه هر چه می‌خواهی گناه کن!

۳- لهوف، سیدابن طاووس، ص ۲۰۸

۲- ارشاد شیخ مفید، ص ۲۳۵

۱- لهوف سیدابن طاووس، ص ۱۵۷

- ۱- روزی خدا را مخور و آنگاه هرچه می خواهی گناه کن!
- ۲- از حکومت خدا بیرون رو و آنگاه هرچه می خواهی گناه کن!
- ۳- جایی را انتخاب کن تا خدا تو را نبیند و آنگاه هرچه می خواهی گناه کن!
- ۴- وقتی عزرائیل برای گرفتن جانت آمد، او را از خود بران و آنگاه هرچه می خواهی گناه کن!
- ۵- زمانی که مالک دوزخ تو را به سوی آتش می برد، در آتش وارد نشو و آنگاه هرچه می خواهی گناه کن!

خودِ عالی و خودِ دانی^۲

ممکن است بپرسید ریشهٔ عزّت و ذلّت در وجود انسان چیست؟

این یک سؤال مناسب و راه گشاست. زیرا شناخت ریشه ها سبب می شود که انسان بهتر بتواند به سوی عزّت حرکت کند و از ذلّت دوری نماید. لذا در ریشه یابی این موضوع می گوئیم: انسان دارای دو دسته از تمایلات است:

- ۱- تمایلات عالی که مربوط به بُعد روحی و معنوی اوست؛ مانند تمایل به دانایی، احسان، شجاعت، ایثار، حُسن خلق، عدالت، عفاف، حیا و گذشت.
- ۲- تمایلات دانی که مربوط به بُعد حیوانی و دنیایی اوست؛ مانند تمایل به ثروت، شهوت، غذاهای لذیذ و متنوع، زیور و زینت و رفاه.

تمایلات عالی مربوط به خودِ عالی انسان که همان بعد روحی و معنوی اوست، می باشد و تمایلات دانی مربوط است به خودِ دانی که همان بُعد حیوانی و دنیایی می باشد. انسان باید به گونه ای زندگی خود را تنظیم کند که توجه به تمایلات دانی مانع رشد و شکوفایی تمایلات عالی نگردد. در حقیقت تمایلات دانی، تمایلات بدی نیستند، بلکه برای زندگی در دنیا لازم هستند، اما نباید از حدّ تجاوز کنند و مانع رشد تمایلات عالی شوند. حدّ و مرز این نیاز را خدا می داند و خداوند چگونگی بهره مندی از شهوت، ثروت و سایر امور دنیایی را مشخص کرده تا انسان بتواند تمایلات عالی را در خود رشد دهد و به کمال رساند.

۲- دانی: پست، پایین

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۶

عقل و وجدان، انسان را به تمایلات عالی فرامی‌خواند، چون به دنبال خوشبختی همیشگی اوست. اما هوی و هوس (نفس اماره) از انسان می‌خواهد که فقط به غرایز و تمایلات دانی مشغول باشد و توجهی به تمایلات عالی نداشته باشد.

انسان عزیز همواره به ندای عقل و وجدان و نفس لوامه گوش فرامی‌دهد و تسلیم نفس اماره نمی‌شود. اما انسان ذلیل، در درون شکست می‌خورد و تسلیم نفس اماره می‌شود. بنابراین، انسان گناهکار پیش از آن که در مقابل عوامل بیرونی تسلیم شود، ابتدا در خود می‌شکند و حقارت را پذیرا می‌شود. کسی که در مقابل دیگران تن به ذلت می‌دهد، ابتدا در مقابل تمایلاتِ پستِ درون خود شکست خورده و ذلیل شده است. او عزت خود را از دست داده و به دنائت و پستی دچار شده است. تحقیقات نیز نشان می‌دهد اکثر گناهکاران و مجرمان افرادی هستند که عزت نفس خود را از دست داده و تحقیر شده‌اند. بنابراین یکی از راه‌های مبارزه با کژی‌ها و زشتی‌ها در جامعه افزایش عزت نفس انسان‌ها و حفظ کرامت آن‌هاست.



با توجه به آیات و احادیث درس و نکاتی که در پیرامون آن‌ها مطرح شد،

نمودار زیر را تکمیل کنید.

تسلیم و بندگی خداوند ←

احساس حضور در پیشگاه خداوند ← و

غفلت از خداوند ← و

عزت نفس ← حفظ پیمان با خدا و

ذلت نفس ← و سستی در عزم و تصمیم

فقیری که دارای عزت نفس باشد نمی‌کند. گدا، ابتدا و

سپس گدایی می‌کند. جوانی که عزت نفس دارد، در برابر نمی‌شکند.

انسان عزیز در برابر شکست‌ناپذیر و در برابر مردم

است.



- ۱- میان عزّت نفس و گناه چه رابطه‌ای وجود دارد؟ چرا؟
- ۲- آیا می‌توان مسئولیت انجام گناه را از دوش خود برداشت و به عوامل بیرونی منتقل کرد؟
- ۳- با توجه به این که آیه ۱۰ سورة فاطر خداوند را صاحب عزّت معرفی می‌کند، راه بهره‌مندی از عزّت الهی چیست؟
- ۴- آیا انسانی که دارای عزّت نفس است به پیمان‌شکنی دست می‌زند؟



یکی از سخنان معصومین علیهم‌السلام را که در این درس آمده و تأثیر بیش‌تری بر شما داشته است، انتخاب کنید و با خط زیبا بنویسید. آن‌گاه پس از تزئین، آن را در یک قاب جای دهید.

تقویت عزت نفس

خدایا! توبه ما کرامت بخشیدی و بر سایر مخلوقات برتری دادی.

این جایگاه رفیع به خاطر آن کوهبری است که در وجود ما قرار

دادی بهمان روحی که در ما میدی، «روح خودت» را.

خدایا تلاش می‌کنم بهواره این کوه وجودم را عزیز بدارم.

به آسانی ما فرمانی تو را در پیش نمی‌گیرم و ذلیلانه در برابر کنه‌ها و

کنه‌بکاران زانو نزنم.

خداوندا! یاریم کن تا بابتندگی تو که سزاوار عبادت هستی از بندگی

هر چه غیر تو هست دوری‌کنم و در برابر آنان که مرا به پستی ما فرامی‌خوانند

بایتم و نه «نه» بگویم تا بر عهدی که با تو بسته‌ام وفادار بمانم.



مرحله‌ی سوم
در مسیر

یادآوری

در سال‌های اول و دوم، در مرحله «قدم در راه» و «در مسیر»، دانستیم که انسان براساس تصمیم خود، برنامه‌ریزی می‌کند و آن را به اجرا درمی‌آورد تا به هدف برسد. برنامه‌های پیشنهادی دو سال گذشته عبارت بودند از:

بخش‌ها	برنامه‌ها	ردیف	سال
ارتباط با خدا - ارتباط با خود	قرائت قرآن و تفکر در آن	۱	سال اول
ارتباط با خدا - ارتباط با خود	انتخاب مقصد و هدف زندگی	۲	
ارتباط با خدا	تلاش برای معرفت بیش‌تر به خداوند	۳	
ارتباط با خدا	تقویت ایمان به کمک راه‌های پیشنهاد شده	۴	
ارتباط با خدا - ارتباط با خود	عهد بستن با خدا برای قدم گذاشتن در راه	۵	
ارتباط با خود	تصمیم‌گیری و عزم برای اجرا کردن برنامه	۶	
ارتباط با خود	مراقبت و محاسبه از تصمیم‌ها و پیمان‌ها	۷	
ارتباط با خود	داشتن دفتر برنامه‌ریزی	۸	
ارتباط با خدا	انجام صحیح و به موقع نماز و حفظ کردن احکام آن	۹	
ارتباط با خود	برنامه‌ریزی برای ورزش و مطالعه	۱۰	
ارتباط با جامعه	انتخاب دوست شایسته	۱۱	
ارتباط با خود - ارتباط با جامعه	پرداختن به کار و تلاش برای رساندن سود به خود و جامعه	۱۲	

ارتباط با خدا	تقویت دوستی و محبت به خداوند	۱۳
ارتباط با خدا - ارتباط با جامعه	تقویت دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا	۱۴
ارتباط با خدا	توکل و اعتماد بر خداوند در تصمیم‌گیری‌ها	۱۵
ارتباط با خدا - ارتباط با خود	تقویت پیمان با خداوند و مراقبت و محاسبه از تصمیم‌ها	۱۶
ارتباط با خود - ارتباط با جامعه	داشتن ظاهر و لباس آراسته، همراه با حجاب و عفاف	۱۷
ارتباط با خود	همه‌هنگ کردن ظاهر خود با باطن نیکو و خوب	۱۸
ارتباط با جامعه	رعایت احکام محرمیت و نامحرمی	۱۹
ارتباط با جامعه	دعوت دیگران به رعایت احکام الهی	۲۰
ارتباط با جامعه	انجام وظیفه‌ امر به معروف و نهی از منکر در موارد ضروری	۲۱
ارتباط با جامعه	مشارکت و همکاری در رفع نیازهای جامعه	۲۲
ارتباط با جامعه	تمرین انفاق و پرداخت خمس در صورت ضرورت	۲۳
ارتباط با خود - ارتباط با جامعه	آشنایی با احکام مالی اسلام	۲۴
ارتباط با خود - ارتباط با خدا	تقویت تقوا به کمک انجام درست نماز و روزه	۲۵
ارتباط با خدا	حفظ کردن برخی احکام نماز و روزه	۲۶

درس ۱۴

زمینه‌های پیوند

خانواده ارزشمندترین بنیاد و بنیان نزد خداست که با پیوند زن و مرد به وجود می‌آید و با آمدن فرزندان، کامل می‌شود. با تولد فرزندان، زن و مرد، مادر و پدر بودن را می‌پذیرند و فرزندان خود را در دامن مهربان خود تربیت می‌کنند.

در این درس به بررسی این مسئله می‌پردازیم که

۱- نگاه دین به زن و مرد به عنوان انسان چیست؟

۲- عوامل و زمینه‌های جذب زن و مرد به یکدیگر برای تشکیل

خانواده کدام‌اند؟

۳- چه اهدافی برای تشکیل خانواده مناسب‌اند؟

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

روم ۲۱

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ

مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ

بَنِينَ وَحَفَدَةً

وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ

أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ

وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ

نحل ۷۲



به کمک عبارت‌های زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

قَانِتِينَ : مردان فرمانبردار	خَاشِعَات : زنان فروتن
مُتَّصِدِّقِينَ : مردان صدقه دهنده	صَائِمَات : زنان روزه‌دار
الْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ : مردان پاکدامن	أَعَدَّ : آماده کرده است
بَنِينَ : فرزندان	حَفَدَةً : نوادگان

شخصیت انسانی زن و مرد

کلمه «انسان»، «انسان» و «بنی آدم» در قرآن کریم اختصاص به جنس خاصی ندارد و هر پیامی که با این کلمات همراه شده، به زن و مرد، هر دو، مربوط می‌شود. زیرا زنان و مردان به عنوان افراد نوع انسان، ویژگی‌های فطری یکسان و هدف مشترکی دارند که با استفاده از سرمایه‌های ذاتی خود می‌توانند به آن هدف برسند و در بهشت جاوید خداوند منزل‌گزینند.

بنابراین:

— کرامتی که خداوند به انسان بخشیده و بر سایر مخلوقات برتری داده، اختصاص به زن یا مرد، به تنهایی، ندارد.^۱

— هرکدام از زن و مرد به میزان تقوا، عفاف و دوری از گناه، نزد خداوند گرامی‌تر است.^۲

— پاداش اخروی و قرب به پروردگار، به جنسیت انسان مربوط نیست.^۳

— گرفتار شدن به عذاب اخروی و دوری از خداوند نیز ارتباطی با زن یا مرد بودن ندارد.^۴



— در آیه‌های ابتدای درس بیندیشید و پیام‌هایی را که نشان‌دهنده یکسانی مقام و منزلت

انسانی زن و مرد است، استخراج کنید.

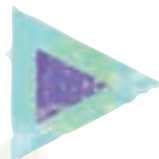
سوره/آیه	
.....	۱-
.....	۲-
.....	۳-

۱- اسراء، ۷۰

۲- نحل، ۹۷

۳- یونس، ۲۷

۴- احزاب، ۳۵



در دوره‌ای که قرآن کریم بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد، بیشتر مردم مرد را در خلقت برتر از زن می‌شمردند این موضوع، به‌خصوص در داستان خلقت آدم و حوّا و زندگی آن‌ها در بهشت اولیه و بیرون شدنشان از آنجا نمود بیشتری داشت.

به‌طور مثال، در تورات آمده که حوّا از دندهٔ آدم خلق شده و او بود که آدم را اغوا کرد و به خوردن میوهٔ ممنوع تشویق نمود؛ به این صورت که شیطان به شکل مار درآمد و به سراغ حوّا رفت و به تحریک او پرداخت. وقتی شیطان حوّا را فریب داد، حوّا به نزد آدم رفت و آن قدر اصرار کرد تا او را راضی نمود که با هم به درخت ممنوع نزدیک شوند و از میوهٔ آن بخورند.^۱ این کتاب که هم‌اکنون نیز کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان است، چنین نگاهی به زن را به پیروان خود منتقل می‌کند و در مورد خروج از بهشت، زن را مقصر نشان می‌دهد و او را به گناه نزدیک‌تر می‌داند.

اما قرآن کریم، با این که در میان عرب‌های بدون فرهنگی نازل شد که بدترین نظرها را نسبت به زن داشتند و برخی از آن‌ها دختران خود را زنده به گور می‌کردند، اما در بیان داستان خلقت، مرد را برتر از زن قرار نمی‌دهد. اولاً قرآن می‌فرماید که زن از همان جنس مرد آفریده شده است.^۲ و در داستان بیرون رفتن آن‌ها از بهشت هم بدون اینکه نامی از مار بیاورد، می‌فرماید که شیطان هر دو را با هم فریب داد.^۳ همچنین می‌فرماید خداوند انسان‌ها را از یک مرد و یک زن آفریده و هیچ‌کدام در پیشگاه خدا بر دیگری برتری ندارند، مگر به تقوا.^۴

نقش‌های مکمل

خداوند، زن و مرد را به‌گونه‌ای آفریده که زوج یکدیگر باشند.^۵ زوجیت میان زن و مرد آن‌گاه معنی دارد که هر دو تکمیل‌کنندهٔ یکدیگر باشند. بنابراین، زن و مرد گرچه در ویژگی‌های انسانی با

۱- تورات، سفر پیدایش، اصحاح ۲، ۲۳-۲۵ و اصحاح ۳، ۱-۷

۲- نساء، ۱

۳- اعراف، ۲۰

۴- حجرات، ۱۳

۵- نبأ، ۸

هم مشترک هستند و خداوند برای هر دو هدف واحدی معین کرده است، اما از جهت «زن بودن» و «مرد بودن» تفاوت‌هایی دارند. این تفاوت‌ها نیز به گونه‌ای است که هر دو را به هم نیازمند کرده، بدون این که یکی بر دیگری برتری ذاتی پیدا کند. زیرا برتری هرکس نزد خداوند به تقواست که باید آن را در وجود خود پرورش دهد. پس هم مرد برای زن است و هم زن برای مرد.^۱

برخی تفاوت‌های زیستی و روان‌شناختی سبب شده که هر کدام از مرد و زن بتوانند در زندگی مشترک و خانوادگی نقش‌های متفاوتی را برعهده بگیرند و یک خانواده متعادل را پدیدآورند، مقصود از آفرینش انسان‌ها به صورت زوج، همین است. به طور مثال توانمندی عاطفی بالای زنان و قدرت جسمی بیشتر مردان برای آن است که زن و مرد دو نقش تکمیلی در کنار هم ایفا نمایند. زن، با محبت مادری، فرزندان را رشد دهد و مرد با کارکردن خود نان‌آور خانواده باشد.

متأسفانه گاهی به علت باورهای غلط فرهنگی و اجتماعی، رفتارهای نامناسبی نسبت به زنان روا داشته می‌شود که به هیچ وجه مورد تأیید دین اسلام نیست. اگر امروزه برخی افراد ارج و منزلت لازم را برای نقش مادری قائل نیستند و بر کار اقتصادی بیش از نقش مادری تأکید می‌کنند، ناشی از این اشتباه بنیادی است که می‌پندارند فضیلت و قدر و منزلت آدم‌ها به قدرت اقتصادی آن‌هاست.

مهم‌ترین عامل پایداری خانواده، پس از ازدواج، درک درست زوجیت و مکمل هم بودن زن و مرد و عمل به این درک می‌باشد. اگر همسران از این موضوع غافل باشند. به سرعت در محیط خانه از هم بیگانه می‌شوند و با پیش آمدن کوچک‌ترین تنش از هم جدا می‌شوند. اما اگر درک متقابل از نیازها وجود داشته باشد، به تعبیر قرآن کریم، لباس یکدیگر می‌شوند و کاستی‌ها و نقص‌های یکدیگر را می‌پوشانند.^۲

از این رو، هر جوانی باید قبل از ازدواج، برای خود برنامه‌ای تنظیم کند و با آموزش نزد معلمان تعلیم و تربیت و مطالعه کتاب‌های مناسب، به درک درستی از ازدواج و زندگی خانوادگی برسد، تا بتواند یک خانواده موفق را تشکیل دهد.

۱- بقره، ۱۸۷

۲- نظام حقوق زن در اسلام، استاد شهید مطهری، ص ۱۱۹

۳- بقره، ۱۸۷

● با نگاهی به ازدواج‌هایی که پیرامون شما اتفاق افتاده، نظر دهید که آیا دختران و پسران با آگاهی وارد زندگی مشترک می‌شوند؟ هر پاسخی که به این سؤال دادید، عوامل آن را هم ذکر کنید.

پاسخ:

.....

.....

.....

.....

آماده شدن برای ازدواج

انسان، با رسیدن به بلوغ و دوره جوانی وارد مرحله مسئولیت‌پذیری می‌شود و شایستگی آن را به دست می‌آورد که مخاطب خداوند قرار گیرد و برای سعادت خود و خانواده‌ای که در آینده نزدیک تشکیل خواهد داد، برنامه‌ریزی نماید. مهم‌ترین این برنامه‌ها عبارتند از:

- ۱- تقویت عفاف و پاکدامنی در خود از آغاز بلوغ
- ۲- مشخص کردن هدف‌های خود از تشکیل خانواده
- ۳- شناخت معیارها و شاخص‌های همسر مناسب
- ۴- شناخت ویژگی‌های روحی زن و مرد
- ۵- آشنایی با نقش خود در خانواده به‌عنوان زن یا شوهر، مادر یا پدر
- ۶- کسب آمادگی پذیرش مسئولیت در خانواده

از میان این شش برنامه، به تبیین دو مورد آن‌ها در این درس می‌پردازیم:

۱- **تقویت عفاف و پاکدامنی**: دوره بلوغ تا ازدواج حساس‌ترین و ارزشمندترین دوره عمر انسان است. دوره گذر از کودکی و ورود به بزرگسالی و پذیرش مسئولیت‌های زندگی است. اگر جوان، این دوره را با پاکی و پاکدامنی بگذراند و در حالی به زندگی مشترک با همسرش وارد شود که آلوده به گناه و فحشاء نشده باشد، راه رسیدن به بهشت را برای خود و فرزندان خود بسیار هموار کرده است.

قرآن کریم از دختران و پسران می‌خواهد که قبل از ازدواج نیز، حتماً عفاف پیشه کنند تا خداوند به بهترین صورت زندگی آنان را سامان دهد.^۱ همچنین می‌خواهد که به هیچ‌وجه در پی رابطه پنهان و آشکار با جنس مخالف برنیایند^۲ که زیان آن تا قیامت دامنگیر آنان خواهد شد و در نسل‌های آنان تأثیر بد خواهد گذاشت.

هر جوانی به‌طور فطری و طبیعی خواستار ازدواج با کسی است که قبل از ازدواج پاکدامنی خود را حفظ کرده و به گناه آلوده نشده است. کسی که چنین خواستی دارد، باید خودش نیز اینگونه باشد. همچنین هرکس خواستار آن است که دیگران به اعضای خانواده او نظر سوء نداشته باشند، خودش هم باید چنین باشد. نظام هستی بر عدالت است.^۳ عمل هر کس، عکس‌العملی دارد که قسمتی از آن در این جهان ظاهر می‌شود و قسمتی دیگر در آخرت.

در این مسیر، پیشگیری بهتر از درمان است. برای پیشگیری از گرفتاری به بیماری فساد و گناه باید کاری کنیم که در آستانه انجام گناه قرار نگیریم. در عصری که گسترش دهندگان فساد و فحشاء از آخرین دستاوردهای علمی برای رسیدن به مقاصد شوم خود بهره‌می‌برند، باید با زیرکی، شجاعت روحی و توکل بر خداوند، راه‌های نزدیکی به گناه را ببندیم و بینی شیطان را بر خاک بمالیم. با توجه به این شرایط پیچیده، اقدامات زیر برای حفظ پاکدامنی مؤثر است:

- ۱- شناخت سیره و روش زندگی پیامبر اکرم، فاطمه زهرا و امامان بزرگوار علیهم‌السلام
- ۲- انجام درست و به موقع نماز، به‌خصوص به صورت جماعت و با حضور در مسجد
- ۳- مشغول بودن به کارهای ضروری مانند درس خواندن، انجام کارهای منزل، یا اشتغالات مثبت، مثل کارهای فنی، هنری، همکاری در بسیج، کانون‌های فرهنگی و بنیادهای خیریه
- ۴- نگاه نکردن به فیلم‌ها، سایت‌ها و تصویرهای شهوت‌انگیز
- ۵- استقامت در برابر تحریک دیگران برای دیدن یک فیلم یا یک پیام نامناسب و توانایی «نه» گفتن به آن‌ها

- ۶- انتخاب دوست دیندار و نماز خوان و معاشرت نکردن با افرادی‌بند و بار
- ۷- استفاده از لباس مناسب با شأن و منزلت انسان مسلمان
- ۸- شرکت در جلسات و مراسم مذهبی، مانند مجالس دعای کمیل و دعای ندبه، اعیاد و

۱- نور، ۳۳

۲- مائده، ۵ و نساء، ۲۵

۳- بالعدل قامت السموات والارض، عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۰۳

عزاداری‌ها و سخنرانی‌های پر محتوا

- ۹- دوری از مجالس تشویق‌کننده و تحریک‌کننده به گناه
- ۱۰- انجام ورزش، به صورت مرتب، با دوستان همفکر و مناسب
- ۱۱- توجه به نصیحت‌ها و خیرخواهی‌های پدر و مادر
- ۱۲- کنترل نگاه به نامحرم
- ۱۳- برنامه‌ریزی برای افزایش معرفت دینی و مطالعه کتاب‌های علمی، تاریخی، ادبیات و شعر
- ۱۴- معاشرت بیشتر با خویشان و نزدیکانی که معنویت را در انسان تقویت می‌کنند.
- ۱۵- عاقبت‌اندیشی در کارها و تصمیم‌گیری براساس فکر و اندیشه



در میان پیشنهادهای بالا، پنج پیشنهاد را که از نظر شما مؤثرتر است، انتخاب کنید.

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-
- ۵-

۲- اهداف ازدواج : یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌های زندگی هر انسانی، تصمیم‌گیری برای ازدواج است. این تصمیم‌گیری نباید بدون فکر و برنامه‌ریزی قبلی باشد. پس شایسته است که به تدریج درباره هدف خود از ازدواج فکر کنیم و هوشمندانه وارد این مرحله زندگی شویم. خداوند چهار هدف برای تشکیل خانواده قرار داده است.

اول : پاسخ به نیاز جنسی : ابتدایی‌ترین زمینه شکل‌گیری نهاد خانواده، نیاز جنسی مرد و زن به یکدیگر است. این نیاز که احساس آن از دوران بلوغ آغاز می‌شود، اولین کشش و جاذبه را میان زن و مرد ایجاد می‌کند و آنان را به سوی تشکیل خانواده می‌کشاند. بر اثر ازدواج و پاسخ صحیح به این نیاز، هر کدام از مرد و زن به یک آرامش روانی می‌رسند.

دوم : انس با همسر : هر یک از زن و مرد، نیازمند به زندگی با دیگری هستند و این نیاز پس از بلوغ آشکار می شود. این نیاز به گونه ای است که اگر فردی از راه های نامشروع نیاز جنسی خود را برطرف کند و غرق در آلودگی های جنسی باشد، اما مجرد و بدون همسر زندگی کند، باز هم یک بی قراری و ناآرامی او را آزار می دهد که فقط با ازدواج و بودن در کنار همسر برطرف می شود.

برخی از ازدواج های ناموفق هم ریشه در همین موضوع دارند که زن یا مرد به این نیاز همسر خود توجهی ندارد و رفتاری آرامش بخش از خود نشان نمی دهد. تجربه های روان شناختی گویای آن است که توانایی زن نسبت به مرد در ایجاد سکونت و آرامش بیش تر است و مبدأ آرامش در خانواده، اوست.

پیام آیات (۲)

- ۱- با تدبیر در آیات درس مشخص کنید که کدام آیه آرامشی را که ناشی از این دو نیاز است، بیان می کند؟ عبارت مربوط به این آرامش را بنویسید.
- آیه..... :
- ۲- برای این که آرامش ناشی از انس و هم صحبتی میان همسران پدید آید، قرآن کریم به دو ویژگی که باید میان زن و مرد باشد، اشاره می کند، آن دو ویژگی کدامند؟
- و

سوم : رشد و پرورش فرزندان : خانواده بستر رشد و بالندگی فرزندان است و هیچ نهاد دیگری نمی تواند جایگزین آن شود. فرزند، ثمره پیوند زن و مرد و تحکیم بخش وحدت روحی آنهاست. آنان دوام وجود خود را در فرزند می بینند و رشد و بالندگی او را پایداری وجود خود می یابند.

مسئولیتی که با آمدن فرزندان بر دوش پدر و مادر قرار می گیرد، بسیار سنگین و غیرقابل چشم پوشی است. زن و مردی که ازدواج می کنند و خداوند به آنها فرزندان می بخشد، در حقیقت با خداوند پیمان بسته اند که این هدیه های الهی را شکوفا کنند و به ثمر رسانند.

بنابراین، تمام فعالیت های بعدی پدر و مادر باید به گونه ای تنظیم شود که به رشد این نهال ها و بالندگی آنها کمک کند. هر یک از استعداد های فرزندان که به خاطر بی تدبیری پدر و مادر،

خودخواهی‌ها، چشم و هم‌چشمی‌ها و تسلیم در برابر آداب و رسوم ساختگی، سرکوب شود، در پیشگاه خداوند مجازاتی به همراه دارد. بهداشت روانی و جسمی کودک و تعادل رفتاری و تعالی اخلاقی وی یک خواست الهی است که از همان ابتدای ازدواج باید مورد توجه قرار گیرد.

پیام آیات (۳)

با تدبیر در آیات درس، مشخص کنید که کدام آیه، به این هدف اشاره دارد؟
عبارت مربوط به آن را بنویسید.
آیه..... :

چهارم: رشد اخلاقی و معنوی : عالی‌ترین هدف تشکیل خانواده، رشد اخلاقی و معنوی هر یک از اعضای خانواده است.

پسر و دختر جوان با تشکیل خانواده زمینه‌های فساد را از خود دور می‌کنند، مسئولیت‌پذیری را تجربه می‌نمایند، مهر و عشق به همسر و فرزندان را در خود پرورش می‌دهند، ایثار و از خودگذشتگی برای دیگری را تمرین می‌کنند، وفاداری، حُسن خلق، مدارا، تحمل رنج‌ها و سختی‌ها و بسیاری از صفات اخلاقی دیگر را در خود پدید می‌آورند.

علاوه بر این، خانواده تنها محیط مناسب برای تربیت صحیح کودکان و رشد همین فضائل اخلاقی در آن‌هاست. البته، این در صورتی است که پدر و مادر با مسئولیت خود آشنا باشند و آن را انجام دهند.

پیام آیات (۴)

با تدبیر در آیات درس، مشخص کنید که کدام آیه، به این هدف اشاره دارد؟
عبارت مربوط به آن را بنویسید.
آیه..... :

نکته مهم

برای اینکه یک ازدواج موفق داشته باشیم که هم به جدایی منجر نشود و هم سبب خوشبختی ابدی ما گردد، لازم است که هر چهار هدف را در تشکیل خانواده در نظر بگیریم و هدف چهارم را در اولویت قرار دهیم. اگر پس از تشکیل خانواده، به طور مثال، فقط هدف اول را دنبال کنیم و برای سه هدف دیگر تلاش نکنیم، پس از مدتی، اختلافات ظاهر می‌شوند و دوری روحی و روانی از یکدیگر زندگی را خسته کننده می‌کند. اما اگر پس از تشکیل خانواده هر یک از زن و شوهر تلاش کنند که در کنار دیگری اخلاق حسنه را تمرین نمایند، به زودی محیطی آرامش بخش و سرشار از نشاط و لذت شکل خواهد گرفت و اعضای خانواده تا آخر عمر با احساس رضایت و موفقیت در کنار هم زندگی خواهند کرد.^۱



۱- پس از تشکیل خانواده، تصمیم های پدر و مادر تابعی از توجه به خانواده و اصل قرار دادن آن است. پدری که درآمد مناسبی دارد و می تواند وقت بیش تری را با خانواده و فرزندان بگذراند اما چنان به شغل خود وابسته است که بودن با خانواده را فراموش می کند، نمی تواند بگوید شغلم ایجاب می کند که دیر وقت به خانه بیایم. مادری که شوهرش از درآمد کافی برخوردار است، نمی تواند بگوید شغلم ایجاب می کند که کودکم را هر روز به مهدکودک بسپارم و به این ترتیب، کودکش را از مهر و محبت مداوم خود محروم کند. به همین جهت، رهبر معظم انقلاب اسلامی می گویند:

«بهترین روش تربیت فرزند، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. یکی از وظایف مهم زن عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت دقت، آن چنان بار بیاورد که این موجود انسانی، چه دختر چه پسر، وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختی ها و فلاکت ها و

۱- دختران زودتر از پسران از سطح نیاز اول می گذرند و به هدف های بالاتر توجه دارند. یعنی معمولاً نیازهایی بیش از نیاز جنسی آن ها را به سوی پسران می کشاند. برخی از پسران که معمولاً برای نیاز سطح اول به سوی دختران می روند، به ارتباطی موقت بسنده می کنند و پس از مدت کوتاهی ارتباط خود را قطع می کنند و کمتر به ارتباطی پایدار برای تشکیل خانواده می اندیشند. به همین جهت، گفته اند که برای تشکیل خانواده، علاوه بر نیاز اول، آگاهی از نیازهای دیگر که مدتی پس از بلوغ جنسی برای پسران حاصل می شود، ضرورت دارد. از فواید مهم مشورت دختران با پدران و مادران تشخیص موضوعاتی از این قبیل است (رجوع کنید به یادداشت های استاد مطهری، ج ۵، ص ۳۰).

بلایایی که امروز نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و آمریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام، این را اجازه نمی‌دهد.»

۲- همان‌طور که پایداری بنیاد خانواده سبب کم شدن فساد در جامعه می‌شود، ازدیاد فساد نیز سبب سست شدن این بنیان می‌گردد. از این‌رو، هر یک از ما که آرزومند داشتن خانواده سالم و فرزندان سالم است، باید در کاهش فساد اجتماعی مشارکت کند. کسی که در سنین جوانی، مرتکب برخی فسادها شده، نباید انتظار داشته باشد که پس از تشکیل خانواده، محیط سالمی داشته باشد. البته در هر زمانی امکان توبه حقیقی هست، اما بحث ما مربوط به شرایط عادی است. شیطان، با فریبکاری تمام به برخی جوانان چنین القاء می‌کند که بی‌بند و باری دوره جوانی امری عادی است و پس از ازدواج می‌توانی از این بی‌بند و باری دور شوی.

قرآن کریم مسأله فساد را خطرناک‌ترین توطئه شیطان و بدترین پرتگاه سقوط انسان می‌داند و فرزندان آدم را به شدت از آن بیم می‌دهد. قرآن کریم به ما اعلام می‌کند که شیطان و پیروان او، انسان‌ها را به پوشش‌های نامناسب و برهنگی وسوسه می‌کنند و از راه‌های مختلفی وارد می‌شوند تا ما را فریب دهند و به گناه بکشانند و پس از آلوده شدن به گناه ناامیدی از بخشش خداوند و بازگشت و توبه را به ما تلقین می‌کنند. قرآن کریم به ما می‌آموزد که خداوند لباس و پوشش را بدان جهت قرار داده تا هم اندام‌های تحریک‌کننده را بپوشاند و در برابر نگاه‌های شهوت‌رانا حفظ کند و هم سبب آراستگی و زیبایی و وقار گردد. قرآن کریم از روش تأسف‌بار کسانی خبر می‌دهد که وقتی فریب شیطان را می‌خورند و به لباس بدن نما و فساد روی می‌آورند، به توجیه کار خود برمی‌خیزند و می‌گویند دیگران هم چنین می‌کنند و خدا هم با این کارها مخالف نیست. قرآن کریم با تعجب می‌پرسد: «آیا چیزی به خدا می‌بندید که اصلاً بدان علم ندارد!؟» سپس با تأکید کامل می‌فرماید: ای پیامبر به مردم بگو خداوند هر فساد و فحشایی را، چه پنهان و چه آشکار، حرام کرده و گناه شمرده است.^۱

بی‌حجابی، پوشش نامناسب و روابط نامشروع و خارج از محیط خانواده که در همین دهه‌های جدید و برای اولین بار در میان کشورهای غربی پدیدار شده، چنان ضربه بزرگی به بنیان خانواده و فضائل اخلاقی و کرامت انسانی وارد کرده که مانند آن در تاریخ بشر مشاهده نشده است.

۱- مجموعه مطالب ذکر شده از قرآن از آیات ۲۶ تا ۳۳ سوره اعراف، استخراج شده است.



- ۱- چگونه می توان خانواده را به عامل گسترش مهربانی و دوستی در جامعه تبدیل کرد؟
- ۲- وقتی می گوئیم باید خانواده را اصل قرار داد و سایر تصمیم ها را با آن تنظیم کرد، منظور چیست؟ چند نمونه ذکر کنید.



- برای حفظ پاکی و سلامت اعضای خانواده و تقویت این نهاد مقدس چه راه‌هایی پیشنهاد می‌کنید؟ هر کدام از پدر، مادر، دختر و پسر چه کارهایی را باید برعهده بگیرند.
- با تعدادی از دوستان خود یک گروه مشورتی تشکیل دهید و نتیجه هم فکری خود را در این زمینه، به کلاس گزارش کنید.



پیوند مقدس

رسول خدا ﷺ

در اسلام، هیچ بنایی نزد خدا محبوب‌تر از ازدواج نیست.^۱

از زیباترین و حساس‌ترین تصمیم‌های زندگی، انتخاب همسر و آغاز زندگی مشترک است. به‌خاطر اهمیت و حساسیت این تصمیم، شایسته است به مطالعه در این باره پردازیم و آگاهی خود را در این زمینه افزایش دهیم تا در آینده با آمادگی لازم و به درستی تصمیم بگیریم. معمولاً برای همه جوانان در زمینه انتخاب همسر سؤال‌هایی پیش می‌آید که در این جا بعضی از آن‌ها را مطرح می‌کنیم.

همسر مناسب و دل‌خواه، چه کسی است؟

همسر شایسته چه مسئولیت‌هایی را بر دوش می‌گیرد؟

چه موانعی در مسیر ازدواج وجود دارد و چگونه می‌توان از آن‌ها عبور کرد؟



۱- ما بُنِیَ بِنَاءٍ فِی الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَی اللَّهِ مِنَ التَّرْوِیجِ - من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ص ۴۰۹.

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ

.....

حَتَّى يُؤْمِنَ ...

.....

وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ

.....

حَتَّى يُؤْمِنُوا

.....

أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ

.....

وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ

.....

وَالْمَغْفِرَةَ بِإِذْنِهِ

.....

وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ

.....

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

.....

بقره، ۲۲۱

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ

پروردگارا مرا بر پادارنده نماز قرار ده

وَمِنْ ذُرِّيَّتِي

و از فرزندانم نیز

رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ

پروردگارا دعای مرا بپذیر

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي

.....

وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ

.....

يَوْمَ يَقَوْمُ الْحِسَابُ

.....

ابراهیم، ۴۱



به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ها را تکمیل کنید.

لا تَنْكِحُوا : ازدواج نکنید يُؤْمِنْنَ : ایمان آورند يَدْعُونَ : دعوت می‌کنند



سوره/ آیه	با تفکر در آیات درس، پیام‌های زیر را تکمیل کنید.
.....	۱- شرط اصلی و اولی در انتخاب همسر ، بودن اوست.
.....	۲- همسری که ، اعضای خانواده را به نافرمانی از خدا و بدبختی ابدی سوق می‌دهد.
.....	۳- پدر و مادر با ایمان تلاش می‌کنند فرزندانشان مؤمن باشند و
.....	۴- فرزند با ایمان، همواره به پدر و مادر خود محبت می‌ورزد و

پیامی که از آیات شریفهٔ درس به دست می‌آید، نشان دهندهٔ مسئولیت زن و مرد در انتخاب همسر آینده و به دوش گرفتن رشد و تربیت فرزندان صالح و شایسته است. خانوادهٔ مورد قبول خداوند، خانواده‌ای است که بر محور ایمان پایه‌گذاری شده و اعضای خانواده، در سایهٔ این کانون می‌توانند مسیر رشد و تعالی را پیمایند و به سعادت برسند. از این رو، پیشوایان بزرگ ما، هر یک از دختر و پسر را راهنمایی کرده‌اند که چگونه قدم در امر ازدواج گذارند و چگونه برای زندگی مشترک آینده برنامه‌ریزی کنند. در این درس، به راهنمایی آن بزرگواران توجه می‌کنیم تا بتوانیم در آینده زندگی مشترک سالم و تعالی‌بخش تشکیل دهیم.

انتخاب همسر و مسئولیت آینده

پس از تعیین هدف ازدواج، انتخاب زوج مناسب مطرح می‌شود. طبق مقررات اسلامی، رضایت کامل زن و مرد برای ازدواج ضروری است و اگر عقدی به زور انجام گیرد، باطل است و مشروعیت ندارد.

داشتن قدرت انتخاب، ارزشمند و در عین حال، مسئولیت‌زاست. برای موفق شدن در این مسئولیت، باید با چشم باز عمل کرد و به انتخابی شایسته دست زد. لازمه چنین انتخابی، تسلط کامل بر شور و احساس جوانی است. همواره دیده‌ایم که علاقه و محبت اولیه، چشم و گوش را می‌بندد و عقل را به حاشیه می‌راند، به گونه‌ای که فریادهای خیرخواهانه او را نمی‌شنوند. این سخن زیبای امام علی علیه السلام مربوط به مواردی از همین قبیل است:

حُبُّ الشَّيْءِ يَعْمي وَ يُصِمُّ **علاقة شديدة به چیزی آدمی را کور و کر می‌کند.**^۱

از این رو، پیشوایان دین از ما خواسته‌اند که در مورد همسر آینده با پدر و مادر خود مشورت کنیم تا به انتخابی درست برسیم. پدر و مادر به علت علاقه و محبت به فرزند، معمولاً مصلحت و خوش‌بختی او را در نظر می‌گیرند و به علت تجربه و پختگی‌شان، بهتر می‌توانند خصوصیات افراد را دریابند و عاقبت ازدواج را پیش‌بینی کنند.

البته پدران و مادران نباید نظر خود را بر فرزندانشان تحمیل کنند و آن‌ها را به ازدواجی ناخواسته بکشانند. شایسته است محیط خانواده، محیط هم‌دلی، اعتماد به بزرگ‌ترها، شنیدن نظریات یکدیگر و به خصوص، محیط محبت و ایثار باشد تا بهترین تصمیم‌ها گرفته شود و حسرت و پشیمانی کمتر پیش بیاید.

از همین منظر است که ضروری بودن اجازه پدر برای دختران روشن می‌شود.

لطافت‌های روحی و ظرافت‌های عاطفی دختر، آن‌گاه که در فضای محبت و علاقه جنس مخالف قرار می‌گیرد، احتمال نادیده گرفتن برخی واقعیت‌ها و کاستی‌ها را به دنبال دارد؛ علاوه بر این، چون دختران به خاطر حیا و عزت نفس قوی خود، در ازدواج پیش قدم نمی‌شوند و طلب و درخواست از طرف پسر صورت می‌گیرد، ممکن است حیا مانع از آن بشود که دختر همه ویژگی‌های پسر و سابقه او را بشناسد و با آگاهی کامل تصمیم‌گیری کند. در چنین مواقعی، پدر که بر احساسات خود غلبه

۱- خاتمة المستدرک، میرزای نوری، ج ۱، ص ۲۰۱.

دارد و نیز دارای تجارب فراوان و شناخت کامل از جنس مرد است، می‌تواند به سان باغبانی دلسوز و کاردان از گل لطیف و ظریف خویش مراقبت کند و به راهنمایی او بپردازد.^۱

معیارهای همسر شایسته

اولین قدم برای تشکیل خانواده، انتخاب همسر خوب است. هرگونه سهل‌انگاری و تصمیم‌گیری عجولانه که بیش‌تر تحت تأثیر احساسات یا اجبار و تحمیل بستگان و دوستان صورت می‌گیرد، پشیمانی بعدی را به دنبال دارد.

از نظر قرآن کریم، مهم‌ترین معیار همسر شایسته، با ایمان بودن اوست. اگر این معیار در فردی وجود نداشته باشد، ازدواج با او حرام می‌شود. هر قدر ایمان یک فرد قوی‌تر باشد، شایستگی او برای همسری بیش‌تر است. معیارهای دیگری که باید مورد توجه قرار گیرند، عبارت‌اند از^۲:

معیارها	ردیف	معیارها	ردیف
عاقل و فهیم بودن	۷	اصالت خانوادگی	۱
اخلاق خوب و خوش‌رویی	۸	پوشش مناسب اسلامی	۲
قناعت در زندگی	۹	عدم ارتباط قبلی با جنس مخالف	۳
کسب و کار حلال	۱۰	صداقت با همسر	۴
زیبایی و مورد پسند بودن	۱۱	سلامت جسمی	۵
داشتن دوستان درستکار و سالم	۱۲	انجام عبادات، به‌خصوص نماز	۶

۱- طبعاً تأکید بر اجازه پدر برای آن است که گاه، ممکن است دختری علی‌رغم توصیه‌های پدر، علت خیرخواهی و راهنمایی او را درک نکند. در این صورت، التزام به اجازه پدر او را از افتادن در دام زندگی ناپایدار و نامطلوب باز خواهد داشت؛ بنابراین، اجازه پدر نه تنها محدودیتی برای دختران نیست بلکه لطفی از جانب خداوند برای آنان است؛ زیرا در بیش‌تر موارد نظر پدر و دختر یکی می‌شود. تنها در صورت عدم توافق است که ازدواج منتفی می‌شود. البته در این صورت هم با به صلاح دختر و یا خلاف مصلحت اوست. اگر تصمیم پدر خلاف مصلحت باشد، دختر می‌تواند با کمک بستگان پدر را قانع کند و اگر پدر استبداد ورزد و به مصلحت فرزند توجه نکند (که البته بسیار استثنایی و نادر است)، مراجع قانونی حق دختر را به وی باز خواهند گرداند.

۲- برای کسب اطلاع بیشتر، به کتاب «خانواده در قرآن» از دکتر احمد بهشتی و «همسرداری» از آیت الله ابراهیم امینی مراجعه کنید.

● اگر بخواهیم این دوازده مورد را از نظر اهمیت، در سه طبقه قرار دهیم، به نظر شما چه شماره‌هایی در طبقه اول که مهم‌ترین است قرار می‌گیرند و چه شماره‌هایی در طبقه دوم و سوم؟

طبقه سوم	طبقه دوم	طبقه اول

راه‌های شناخت همسر

تحقیق درباره همسر آینده، به اندازه‌ای که به کمک آن بتوان به اطمینان در تصمیم‌گیری رسید، ضروری است. تحقیق باید نتیجه بخش باشد و در چهارچوب ضوابط و معیارهای الهی صورت گیرد؛ بنابراین، تحقیق درباره همسر آینده را نباید با معاشرت‌هایی که منشأ آن تنها هوس‌های زودگذر است، اشتباه کرد. این گونه معاشرت‌ها، هر چند با عنوان‌هایی مانند شناخت روحیه همسر و امتحان او باشد، نتیجه بخش نیست و آثار زیان بار دیگری دارد که به خاطر همان آثار، خداوند اجازه این گونه معاشرت‌ها را نداده است. در این معاشرت‌ها که معمولاً احساسات بر هر دو نفر حاکم می‌شود و هرطرف اصرار دارد خود را بهتر از آن چه هست نشان دهد تا محبوب دیگری واقع شود. معمولاً هم بیش‌تر این معاشرت‌ها به سستی رابطه و جدایی می‌انجامند. متناسب با فرهنگ اسلامی، راه‌های زیر برای شناخت کسی که تصمیم به ازدواج با او را داریم، پیشنهاد می‌شود:

- ۱- تحقیق درباره خانواده همسر و موقعیت اعضای خانواده در محل زندگی و محل کار.
- ۲- شناخت دوستان همسر و کسانی که او با آن‌ها معاشرت بیش‌تری دارد.
- ۳- تحقیق درباره روحیات و خُلقیات همسر در محیط کار یا محل تحصیل.
- ۴- معاشرت خانواده‌های دوطرف با یک دیگر و بهره بردن از تجارب پدر و مادر در این معاشرت‌ها.
- ۵- مشورت با افراد قابل اعتماد و کاردان.
- ۶- گفت‌وگو با یکدیگر در جلسات حضوری و طرح نظریات و دیدگاه‌ها درباره موضوعات مختلف.

هریک از این راه‌ها را بررسی کنید و بگویید که هر کدام از این راه‌ها چگونه در تشخیص

همسر آینده به ما کمک می‌کند.

زمان ازدواج

اکنون جا دارد این سؤال را بررسی کنیم که سن مناسب ازدواج کدام است. در این میان، دختران و پسران با پیشنهاد های گوناگونی روبه‌رو هستند که هر یک از آن‌ها بر محوری خاص، تأکید می‌کند.

نباید از یاد ببریم که ازدواج، برای رفع نیازهای طبیعی و پاسخ‌گویی به قانون خلقت انجام می‌شود. اگر به این نیازهای طبیعی در زمان و موقعیت مناسب پاسخ داده نشود، مانند سایر نیازها، اختلالات و مشکلات خاص خود را به دنبال دارد و آسیب‌های جبران‌ناپذیر روانی، اخلاقی و اجتماعی وارد می‌کند. شادایی، نشاط، سلامت جسمی و روحی، رشد طبیعی، احساس رضایت درونی، تعادل در حالات و رفتار، خوش‌رویی و خوش‌خلقی، کاهش فشار جنسی، و سلامت اخلاقی جامعه از فواید ازدواج به موقع است. تأخیر در ازدواج سبب افزایش فشارهای روحی و روانی، روابط نامشروع و آسیب‌های اجتماعی می‌گردد. کاهش روابط نامشروع و آسیب‌های اجتماعی و روانی از فواید ازدواج به موقع است. زندگی یک جوان در کنار کسی که همسر او محسوب می‌شود، چنان برکتی برای جسم و روح او دارد و چنان لذتی را به ارمغان می‌آورد که هیچ چیز دیگری جای آن را نمی‌گیرد.

اما اگر فردی بخواهد در قالبی غیر از ازدواج به نیاز جنسی خود پاسخ دهد، در آن صورت، لذت آنی برخاسته از گناه، پس از چندی روح و روان فرد را پژمرده می‌کند و شخصیت او را می‌شکند. این‌گونه اشخاص، به جای بازگشت به مسیر درست، برای فرار از این پژمردگی به افراط در گناه کشیده می‌شوند اما نمی‌دانند که روحشان مانند تشنه‌ای است که هرچه بیش‌تر از آب دریا می‌نوشد، بر تشنگی‌اش افزوده می‌شود و بی‌قراری‌اش شدت می‌یابد.

آمادگی برای ازدواج نیازمند دو بلوغ است: یکی بلوغ جنسی و دیگری بلوغ عقلی و فکری که مدتی پس از بلوغ جنسی فرا می‌رسد. با رسیدن بلوغ عقلی، جوان درمی‌یابد که باید زندگی را بسیار جدی گرفت و برای آینده برنامه‌ریزی کرد. توجه به داشتن شغل و پیدا کردن کار، فکر کردن درباره‌ی ویژگی‌های همسر، تنظیم خرج و هزینه‌ی خود و دوری از بی‌برنامه بودن از نشانه‌های بلوغ عقلی است. نباید فاصله‌ی میان بلوغ جنسی و عقلی با زمان ازدواج زیاد شود و تشکیل خانواده به تأخیر افتد. به همین علت پیشوایان

ما همواره دختران و پسران را به ازدواج تشویق و ترغیب کرده و از پدران و مادران خواسته‌اند که با کنار گذاشتن رسوم غلط شرایط لازم برای ازدواج آنان را فراهم کنند و به خاطر برخی پندارهای باطل فرزندان خود را به گناه نکشانند و جامعه را گرفتار آسیب‌ها نسازند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است؛ پس، باید برای نصف دیگر از خدا پروا داشته باشد.^۱

این جمله کوتاه اهمیت ازدواج را به خوبی می‌رساند و نشان می‌دهد که چگونه نیمی از دینداری انسان با ازدواج حفظ و نگه‌داری می‌شود.

ایشان هم چنین می‌فرماید: برای دختران و پسران خود امکان ازدواج فراهم کنید تا خداوند اخلاقشان را نیکو کند و در رزق و روزی آن‌ها توسعه دهد و عفاف و غیرت آن‌ها را زیاد گرداند.^۲

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

دو رکعت نماز شخص متأهل، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص مجرد می‌خواند.^۳

مشکلات پیش رو

وقتی به واقعیت‌ها نگاه می‌کنیم و شرایط جامعه و خانواده‌ها را از نظر می‌گذرانیم، می‌بینیم که ازدواج به موقع با مشکلاتی روبه‌روست و اولین سؤالی که به ذهن جوان‌ها خطور می‌کند این است که با وجود مشکلات اقتصادی فراوان، چگونه می‌تواند ازدواج کند. چاره‌اندیشی در این مورد به بخش‌های مختلفی از جامعه مربوط می‌شود. آن‌ها باید با برنامه‌ریزی صحیح، به تدریج از شمار مشکلات بکاهند و امکان ازدواج به موقع را فراهم آورند. برخی از این مشکلات عبارت‌اند از:

- ۱- نیاز به مسکن
- ۲- هزینه‌های ازدواج و تأمین خانواده
- ۳- طولانی شدن زمان تحصیلات دانشگاهی
- ۴- توقعات غیرضروری که بر اثر برخی آداب و رسوم غلط بر خانواده تحمیل می‌شود.
- ۵- رقابت‌های نابجای خانوادگی

۱- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹.

۲- نوادر راوندی، ص ۳۶.

۳- رساله نونین، امام خمینی (ره)، با توضیحات عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، ص ۶۶.

۶- الگو قرار ندادن روش پیشوایان دین و بی‌توجهی به راهنمایی‌های آنان.
البته مدیریت و تدبیر پدران و مادران می‌تواند بسیاری از مشکلات را از میان بردارد و شرایط ازدواج آسان را فراهم کند. دختران و پسران جوانی که حفظ عفاف و پاکدامنی را اصل قرار داده‌اند، می‌توانند با کاستن از توقعات خود، یک زندگی مشترک ساده و صمیمی را با همکاری سایر اعضای خانواده آغاز کنند.



● با توجه به مشکلات یاد شده، برای این که ازدواج در زمان مناسب خود انجام شود و تأخیر آن به حداقل برسد، راه‌حل‌های پیشنهادی شما برای گروه‌های زیر چیست؟

۱- مسئولان جامعه ۲- پدرها و مادرها ۳- دختران و پسران



خواستگاری

معمولاً خواستگاری از طرف پسر اعلام و قبول و رضایت از طرف دختر صورت می‌گیرد. این سنت پسندیده بیانگر کرامت، عزت نفس و حیای دختر و نیز نشانه آن است که پسر است که باید سؤال و درخواست کند و دختر است که می‌تواند بپذیرد یا رد کند. به تعبیر دیگر، این پسر است که باید ابتدا محبت خود را اعلام کند و به دنبال دختر بیاید تا دختر این اعلام محبت را بررسی کند و پاسخ دهد. این به اقتضای احترام و برای حفظ عظمت و شخصیت دختر است. دختر به‌طور طبیعی و فطری، مردی را برای همسری می‌پسندد که به دنبال او بیاید و اعلام محبت و وفاداری کند.

البته، طرح خواستگاری از سوی مرد بدین معنا نیست که دختران همسر مناسب خود را انتخاب نکنند و مستقیم یا غیرمستقیم خود را به وی معرفی نمایند. این کار می‌تواند صورت گیرد اما باید شرایطی فراهم کرد که مرد درخواست ازدواج را به خانواده دختر بدهد تا در صورتی که امکان ازدواج فراهم نشد، کرامت و عزت نفس دختر حفظ شود.

نمونهٔ زیبای چنین موردی، ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت خدیجه پیش از نبوت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مکه به درست کاری و امانت داری مشهور بود و حضرت خدیجه این را می دانست اما پس از این که مال التجارهٔ زیادی در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد و ایشان را برای یک سفر تجاری به شام فرستاد و امانت داری و درست کاری ایشان را در عمل دید و اخلاق کریمانهٔ ایشان را مشاهده کرد، شیفتهٔ رفتار و اخلاق پیامبر شد. اما پیامبر به این موضوع توجهی نداشت تا این که حضرت خدیجه علاقه و محبت خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با کسانی از خویشان خود که با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز دوستی داشتند، در میان نهاد و آنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مطلع کردند و دربارهٔ شخصیت ممتاز حضرت خدیجه با ایشان سخن گفتند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که حضرت خدیجه را همسری مناسب برای خود دید، به خواستگاری ایشان رفت و ازدواج این دو بزرگوار صورت گرفت.^۱

آیا دختران و پسران می توانند قبل از ازدواج دوستی خصوصی داشته باشند؟

در بسیاری از موارد دیده شده آنان که به تعبیر قرآن کریم، دارای قلبی مریض هستند^۲ و فقط به دنبال هوسرانی خود و سوء استفاده از طرف مقابل می باشند، به بهانهٔ ازدواج در آینده، از در دوستی وارد می شوند و پس از مدتی، بدون دلیل قانع کننده جدا می گردند و دوستی با دیگری را آغاز می کنند. شور و احساسات جوانی، گاهی آنقدر قوی است که فرصت رفتار عاقلانه را از انسان می گیرد و وقتی متوجه می شود که زمان را از دست داده و زیان تصمیم عجولانهٔ خود را دیده است. بهترین راه عبور سالم و بی خطر از دورهٔ تجرد و ورود به زندگی خانوادگی، اعتماد به راهنمایی خداوند و رعایت دستوراتی است که او به ما داده است. بنابراین شایسته است به نکات زیر توجه کنیم:

۱- هر انسانی، چه زن و چه مرد، کسی را برای همسری می پسندد که قبل از ازدواج عقیفانه زندگی کرده و با جنس مخالف رابطه نداشته باشد. زیرا می داند چنین کسی در طول زندگی مشترک هم به او خیانت نخواهد کرد.

۲- هر کس عفاف و پاکدامنی قبل از ازدواج را رعایت نکند و هوسرانی پیشه کند و عامل انحراف دیگری شود، کار او در جهان بی پاسخ نخواهد ماند و مکافات آن در همین دنیا به صورتی به خودش باز خواهد گشت و از جایی ضربه خواهد خورد که پیش بینی آن را نمی کند. این مکافات، علاوه بر مجازات سنگین اخروی است.

۱- یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۵، ص ۱۱۰؛ سلام بر خورشید، سیدعلی اکبر حسینی، ج ۱، ص ۱۱ به بعد؛ زندگی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، سیدهاشم رسولی محلاتی، ص ۹۱.

۲- احزاب، ۳۲.

۳- پسران غیور، دختران دیگر را در جای خواهر خود قرار می‌دهند و همان‌طور که اگر نامحرمی از روی هوس قصد تعرض به خواهرشان را داشته باشد، غیرتشان به جوش می‌آید، همین حالت را نسبت به دختران دیگر دارند و به خودشان اجازه بی‌حرمتی به او را نمی‌دهند. زیرا در همان لحظه، خانواده خود را جلو چشم خود مشاهده می‌کنند.

۴- دختران باحیا و عقیف، همواره به فکر آنند که با همین حالت عفاف با همسر آینده خود روبه‌رو شوند و پاک وارد خانه همسر گردند. از این‌رو نمی‌گذارند هوسرانان متوجه آن‌ها شوند. این دختران به‌گونه‌ای در خیابان، مدرسه، دانشگاه و سایر مراکز عمومی رفت و آمد می‌کنند که کمتر کسی به خود اجازه می‌دهد به آنان بی‌حرمتی کند.

آنان که این اصل را رعایت نمی‌کنند، خودشان سبب تحریک حس شهوت دیگران می‌شوند و زمینه بی‌حرمتی به شخصیت خود را برای مردان هوسران فراهم می‌کنند. آیا شخصیت باکرامت و عفاف ما آن قدر ارزش ندارد که مقداری سختی را تحمل کنیم اما مانع بی‌حرمتی به خود شویم؟

۵- هر دختر و پسری در دوران تجرد باید همان‌گونه زندگی کند که آرزو دارد فرزندانش در آینده همان‌طور باشند و نیز انتظار دارد خواهر و برادرش همان‌گونه باشند. همان‌طور که گفته شد، نظام حاکم بر جهان خلقت، عکس‌العمل ضروری را در لحظه مناسب نسبت به کسی که خیانت می‌ورزد، نشان خواهد داد و این سنت خداست. این جمله که «خیلی‌ها هوسرانی کردند و ضربه‌ای ندیدند» برای فریب دادن افراد دیگر و پهن کردن دام‌های بعدی است. چوب خداوند صدا ندارد، اما ضربه آن قاطع و محکم در زمانی که گناهکار فکرش را هم نمی‌کند، وارد می‌شود.

۶- لذت واقعی زندگی را کسی می‌چشد که مطابق دستور خداوند، با عفت و حیا و با غیرت وارد زندگی مشترک شود. همه آنان که با فریب فریبکاران وارد فضای هوس‌آلود می‌شوند، پس از مدت کوتاهی دچار یک زندگی تلخ می‌گردند که تا پایان عمر گریبانشان را رها نمی‌کند.

۷- قرآن کریم به صورت قاطع مردان و زنان را از دوستی پنهانی با یکدیگر که باقی‌مانده دوران جاهلیت بود، منع می‌کند^۱ و از مرد و زن می‌خواهد که فقط طریق ازدواج را پیش بگیرند. زیرا عاقبت این‌گونه روابط زیان روحی و عاطفی برای هر کدام از زن و مرد و گسترش بی‌بندوباری در جامعه می‌شود.

۸- توبه بهترین راه رهایی از دام فریبکاران است. اگر یک بار احساس بر عقل غلبه کرد و گناهی از ما سرزد، نباید فریب دوم را هم خورد و نباید گفت «آب که از سرگذشت، چه یک و چه ده وجب» نه، توبه واقعی کاری می‌کند که انسان دوباره به پاکی اولی برسد. زیرا «نیکی‌ها از بین برنده بدی‌ها هستند.» (هود، ۱۱۴)

۱- مائده، ۵ و نساء، ۲۵.

۹- پس وظیفه جوانی که به بلوغ جنسی و عقلی رسیده، اما هنوز امکان ازدواج پیدا نکرده چیست؟
قرآن کریم درباره چنین جوانی می‌فرماید:

وَلَيْسَتَّعْفِيفِ الَّذِينَ

راه عفاف را پیش گیرند کسانی که

لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا

امکان ازدواج برایشان نیست

حَتَّى يُعْزِنَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

تا خداوند نیاز آنان را برطرف سازد، از فضل خود.

نور، ۳۳

قرآن کریم هیچ راهی جز عفاف و پاکدامنی و مهار نفس را نمی‌پذیرد. زیرا خدایی که غریزه جنسی را به انسان داده، هم او به انسان نیروی ایمان و اراده‌ای بخشیده که بتواند خویشتن‌داری کند و مانع گناه شود. برای این که عفاف و مهار نفس آسان‌تر شود، می‌توان از اقدامات ۱۵ گانه‌ای که در درس قبل پیشنهاد شد، استفاده کرد.



۱- چهار مورد از مهم‌ترین معیارهای همسر شایسته را مشخص کنید.

۲- اگر فاصله‌ی بین بلوغ و ازدواج طولانی شود، چه مشکلاتی پیش می‌آید؟



مراسم عروسی، آغاز زندگی زن و مرد است. امروزه این مراسم با برنامه‌های مثبت و منفی و صرف هزینه‌های گوناگون برگزار می‌شود.

از آن‌جا که احتمالاً تاکنون در چند مراسم عروسی شرکت کرده‌اید، این موضوع را بررسی کنید.

۱- کدام یک از برنامه‌های این مراسم با احکام و دستورات الهی هماهنگ بوده است؟

۲- کدام یک از برنامه‌های آن با احکام و دستورات الهی هماهنگ نبوده است؟